



۲۰۲۱ / ۶ / ۲۷

کاندید اکادمیسین سیستانی

درنگی بروضع سیاسی زمان تحمیل معاهده دیورند با وضع فعلی کشور

انگلیس ها قبل از امضای معاهده دیورند، اوضاع را در طول سرحدات افغانستان مغشوش ساختند و باعث خون ریزی های بسیاری گردیدند. در داخل کشور شورش هزاره جات (۱۸۹۱-۱۸۹۲) اسباب پریشانی امیررا فراهم کرده بود.

غبار متذکر میشود که: «انگلیسها برای تضعیف مردم ودولت افغانستان از هیچ دسیسه وتوطئه ئی دریغ نمی ورزیدند تا مقاومت در برابر انگلیس ها معدوم گردد، به همین سبب بود که حکومت هند برتانوی از یک طرف پشاور وکاکرستان و تیرا را آشیانه فساد برای تولید اغتشاش برای افغانستان ساخته بود و گماشته گان خود (سردارنورمحمدخان پسر سردار ولی محمدخان لاتی، سردار پیرمحمدخان برادر زاده لاتی، سردار بازمحمدخان نواسه سردار محمد شریف خان، سردار محمدحسن خان نواسه وزیر فتح خان، و سعدوی کروخیل وغیره) را با پول واسلحه واشتهرات وقتاً فوقتاً در داخل حدود شرقی افغانستان میفرستاد تا با تحریک و تولید شورش دولت مرکزی را مشغول وضعیف نگهدارند. از طرف دیگر انگلیسها فیوالهای گریزنده از مرکز را در داخل افغانستان تحریک به اغتشاش میکردند. بالاخره انگلیسها سردار محمدایوب خان را از حکومت ایران محبوس خواستند و در لاهور مقیم ساختند و امیر عبدالرحمن خان را تحت تهدید همیشه گی قرار دادند.» (غبار، درمسیر تاریخ، ص ۶۸۲)

امیردر تاج التواریخ میگوید: "حکومت هندوستان در موقع بسیار نازکی، یعنی هنگامی که هزاره جات به شورش برخاسته بود و این شورش هر روز دامنه دار تر میگردد و خوف شورش عمومی در مملکت باعث پریشانی من شده بود، در چنین موقعی کمکی که از هندوستان بمن رسید التیماتومی بود به این مضمون که: «دولت هندوستان نمیتواند به جهت وعده های مبهم و نامعلوم شما برای دعوت نمودن سفارت انگلیس به کابل، انتظار بکشد، لهذا لارد رابرتس سپهسالار هندوستان با لشکر زیادی جهت محافظت او به کابل فرستاده میشود."

امیرمی افزاید که: "من در این وقت مشغول جنگ با هزاره ها بودم و میدانستم که مردم افغانستان از جنرال رابرتس خاطره خوشی ندارند و می ترسیدم که آمدن جنرال رابرتس با لشکر زیاد برایم درد سر آفرین شود و از طرفی چون شخص نظامی است و با شخص نظامی به توافق رسیدن خالی از اشکال نیست، پس بهتر دانستم که برای انجام مذاکرات سرحدی با شخص دیپلماتی مواجه باشم. [بجواب التیماتوم] فوراً مراسله یی به ویسرا نوشتم و در آن تذکر دادم که سرسالتر پاین " Sir Salter Pyne" (یکی از مستخدمین انگلیسی در ماشین خانه کابل) به ملاقات شما می آید تا در باب سفارت

د پانوی شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼونه: دلیکنی دلیکنی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

مذکور ترتیبات لازم را صورت بدهد و درعین حال از فرمانفرما خواهش نمودم تا نقشه ای را که خطوط سرحدی را مشخص میکند برایم بفرستد. مقصود من از ارسال این مراسله این بود که حکومت هندوستان را نگذارم در این باب اقدامات بزرگی به عمل بیاورد. " (تاج التواریخ، ج ۲، ص ۴۱۵-۴۱۶)

امیر میگوید: «در نقشه ای که فرمان فرما برای من فرستاد، ولایت وزیر ی و چمن نو و استانسۀ راه آهن آنجا و چغائی و بلند خیل و مومند و اسمار و چترال و تمام ولایاتی که بین آنها واقع است، همه را جزء هندوستان مشخص نموده بودند. لهذا مکتوب مفصلی به فرمانفرما نوشته در باب طوایف سرحدی اظهارات مآل اندیشی نمودم. ولی نصیحت مرا نپذیرفتند. دولت هندوستان مامورین مرا عنفاً و به تهدید از بلندخیل و وانه و ژوب اخراج نمودند. آنها گفتند که اگر تا فلان ساعت [از محال مذکور] حرکت ننمائید، شما را مجبوراً بیرون خواهیم نمود. چون نمی خواستم با دولت انگلیس بجنگم و دشمن شوم، به تمام مامورین خود، دستور دادم که بعد از وصول این اطلاع فوراً از محال مذکور حرکت نمایند. " (تاج التواریخ، ج ۲، ص ۴۱۷-۴۱۸)

از این بیعد روابط امیر با حکومت هند برتانوی روز بروز خراب شده رفت تا آنکه در سال ۱۸۹۲ به قطع روابط انجامید.

امیر در همین هنگام برای گرفتن اسمار و کمر اقدام کرد اگرچه سپاه امیر با مخالفت اقوام صافی روبرو گردید ولی جنرال غلام حیدرخان باسرکوبی اقوام صافی راه عساکر را باز کرد و با سرعت اسمار و کمر را متصرف شد و تلاش شاه چترال برای تصرف اسمار را خنثی کرد. و سپس کافرستان را قبل از دست اندازی انگلیس متصرف شد و هنگام امضای معاهده دیورند بطور رسمی جزو قلمرو افغانستان شناخته شد.

بدین سان دیده میشود که امیر از مدتها قبل و به انواع دسایس و توطئه ها از طرف انگلیس تحت فشار قرار گرفته بود تا او را برای قبول معاهده دیورند آماده کند و چون امیر درعین جنگ با شورشیان هزاره که دست انگلیس بوسیله هواداران سردار ایوب در این شورشها دخیل بود، توانائی مقابله با انگلیس را نداشت، به ناچار به آمدن هیئت انگلیس به سرکردگی سرتیمر دیورند موافقت کرد تا غرض مذاکره به کابل بیاید.

امیر مینویسد: "علاوه براین، دولت روس، در باب ولایت روشن و شغنان، مشغول فراهم آوردن اشکالات برای من بود. به جهت قطع و فصل تمام همین مناقشات و زحمات بود که سفارتی را به ریاست سرمارتیموردورند به کابل دعوت نمودم. هیئت انگلیسی نخست مسئله سرحد شمال شرقی افغانستان با روسیه را پیش کشید و اظهار داشت که چون دو دولت روس و انگلیس قبلاً به موافقه رسیده اند که رودخانه پنج (اموی علیا) در این قسمت سرحد شمالی افغانستان شناخته شود، امیر باید مناطقی را که در شمال رودخانه پنج در تصرف خود دارد، تخلیه کند. امیر اظهار داشت در صورتیکه روسها مناطق درواز واقع در سمت چپ رودخانه آمو را به افغانستان تسلیم کنند آنرا قبول میکند. دیورند این شرط را پذیرفت و موضوع توسط موافقتنامه ۱۲ نومبر ۱۸۹۳ تسجیل یافت.

سپس هیئت موضوع تعیین سرحد بین افغانستان و هند را مطرح ساخت. نتیجه مذاکرات که با کندی و بدگمانی پیش میرفت سرانجام به موافقتنامه مورخ ۱۲ نومبر در مورد سرحد شرقی و جنوبی افغانستان از واخان تا سرحد ایران انجامید که بنام خط دیورند شهرت یافت. بموجب این موافقت نامه امیر از مناطق سوات، باجور، چترال، وزیرستان وچمن صرف نظرکرد و در مقابل انگلیس دره کنر تا اسمار و علاقه برمل در وزیرستان راجزء افغانستان تصدیق نمود. طرفین موافقت نمودند تا حد بخشی در خود محل توسط هیئت های مختلط صورت بگیرد. (تاج التواریخ، ج ۲، ص ۴۲۰-۴۲۱، سراج التواریخ، ج ۳، ص ۲۶۱-۲۶۲)

با واردکردن چنین فشارها و تهدیدهایی بود که انگلیس مقاصد خود را بر امیر عبدالرحمن خان تحمیل کرد و امیر عبدالرحمن خان نیز با نظر داشت اوضاع سیاسی کشور و عدم توازن قوای خود با انگلیس و روسیه، با واگذاری مناطق آنسوی خط دیورند، در واقع افغانستان موجوده را از خطر تجاوز بیشتر انگلیس و روس نجات داد.

به کلام دیگر اگر امیر معاهده دیورند را امضا نمیکرد باید جنگ میکرد و در جنگ در حالی که زورش برای استرداد سرزمین های متصرفه انگلیس نمیرسید خیلی ممکن بود که قندهار تا جلال آباد و کنر و نورستان را هم از دست بدهد. بنابراین امیر کاری کرد تا افغانستان موجوده را از خطرات بیشتر انگلیس حفظ نماید.

آیا دولت داکتر اشرف غنی، توانایی مقاومت در برابر فشارهای تجاوزگرانه پاکستان را خواهد داشت؟

امروز پاکستان همان سیاستی را در حق کشور ما به پیش می برد که انگلیس در قرن ۱۹ در مقابل امیر عبدالرحمن خان به پیش می برد.

پاکستان اول تعدادی از افغانهای سست عنصر و وطن فروش را به پول ناچیری استخدام کرد و سپس توسط آنها به تخریب افغانستان شروع نمود. و وقتی متین شد که این مشقت وطن فروش از تخریب مکتب و کلنیک و مسجد و پل و پلچک و حتی اسفالت روی سرکها دریغ نمی کنند، اینک بدون توجه به موافقت دولت افغانستان به کشیدن سیم خاردار در امتداد خط دیورند آغاز کرده است. با دلگرمی همین وطن فروشان افغان است که پاکستان توقعات خود را بالا برده و میخواهد برسیایت خارجی افغانستان نیز کنترل داشته باشد.



د پانوی شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

پاکستان از سال ۲۰۱۱ بی‌عده عملاً تخطی و تجاوز خود را بر افغانستان علاوه بر اعزام طالبان، با حملات توپخانه‌ای خود در ولایات سرحدی کنگر و ننگرها و پکتیا و زابل آغاز نمود و سپس با کشیدن سیم خاردار از نقطه صفری خط دیورند از پنج تا ۳۰ کیلومتر بداخل خاک افغانستان بجلوآمده و در ولایات ننگرها و کنگر قریه جات و روستاهای متعلق به افغانستان را اشغال نموده و سرحد خود را به رود کنگر وصل کرده است تا در آب رودخانه کنگر خود را شریک سازد. مردم کنگر این تجاوز آشکار پاکستان را از طریق رسانه‌های تلویزیون بگوش مسئولان دفاعی و امنیتی کشور وقتاً فوقتاً رسانده اند ولی دولت افغانستان بعزت حضور نیروهای ناتو و بی تفاوتی آنها به شکایات مردم کنگر توجه کرده نتوانست.

نیروهای سرحدی افغان برحسب وظیفه خود در برابر این اقدام پاکستان بشدت عکس العمل نشان دادند و در این راه جانهای شیرین خود را قربانی کرده اند ولی وزارت خارجه افغانستان با ارسال پیامهای دیپلماتیک به جانب پاکستان وقت کشی کرده رفت.

مردمان کنگر و ننگرها و پکتیا و خوست و قندهار و هلمند بدون انتظار به اقدامات دولت در برابر تجاوزات پاکستان از همان آغاز تجاوز و تخطی آن کشور به دفاع از تمامیت ارضی کشور برخاستند و با جان بازی برای چندین روز مانع تمدید سیم خاردار پاکستان شده و میشوند.

اینک پس از اوج گیری حملات طالبان و سقوط برخی از ولسوالیها، دولت مجبور شده است تا برای دفاع از تمامیت ارضی و عزت و ناموس وطن از مردم بخواهد تا به حمایت از نیروهای امنیتی کشور کمر ببندند و جلوطالبان اعزام شده از پاکستان را بگیرند. در وضعیت کنونی حمایت مردم از نیروهای دولتی تاثیر فوق العاده مثبتی بر روحیات و مورال قوتهای نظامی و امنیتی کشور دارد و بزودی دشمنان وطن را با شکست افتضاح آمیز روبرو خواهد کرد.

شکی نیست که مردم افغانستان مردمان دلیر و آزادی دوستی اند و همانگونه که در برابر اتحاد شوروی با هم متحد شدند و چون مشت کوبنده در دهن شوروی ها کوبیدند، و آنها را از کشور بیرون انداختند، اگر باز هم متحد شوند توانائی آنها دارند که بر دهن پاکستان نیز بکوبند و آنها را از مرکب بلند پروازیهایش به زیر بکشند، اما متأسفانه که پاکستان در ۴۴ سال اخیر غلامان و ایحنتان حلقه به گوشی از میان تنظیمهای هفتگانه جهادی در دوران اقامت شان در آن کشور برای خود تربیت کرده است، که ممکن است توسط همان نوکران زرخیز بتواند وحدت مردم افغانستان را در برابر طالبان برهم زند و آتش جنگهای داخلی را در کشور مثل دهه ۷۰ دوباره مشتعل کند و از این طریق نیات شوم خود را بر ما تحمیل نماید. پایان